

دانشنامه مهندسی در ایران

دومین نشست علمی و تخصصی پاییز ۱۳۹۸

مکان برگزاری: مرکز همایش‌های بین‌المللی رایزن

زمان: یکشنبه ۱۲ آبان ۱۳۹۸

عنوان میزگرد: دانشنامه‌ها و تاریخ مهندسی قلعه‌ها

اعضای میزگرد: کاظم موسوی بجنوردی، دکتر پیروز حناچی، دکتر محمدمنصور فلامکی، دکتر محمدحسن طالبیان و دکتر محمدمهدی محمودی

محمودی

آقای دکتر اولیاء با آن لهجه شیرین یزدی صحبت کردند، قلعه‌ها را با زبان یزدی شنیدیم و قبش هم آقای دکتر ژان کلود وازن، قلعه‌ها را با لهجه و زبان فرانسوی صحبت می‌کردند و خانم چوبک هم با لهجه قزوینی، خوب از اینجا به بعد اگر اجازه دهید، میزگرد ما شروع می‌شود که تقاضا می‌کنم از عزیزان تشریف بیاورند.

میزگردمان در خصوص دانشنامه‌ها و تاریخ مهندسی قلعه‌هاست از جناب آقای بجنوردی رئیس و بنیانگذار دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تقاضا می‌کنیم تشریف بیاورند و نیز جناب آقای دکتر محمدمنصور فلامکی و جناب آقای دکتر محمدحسن طالبیان تقاضا می‌کنم تشریف بیاورند.

اول اینکه آقای حناچی غایب این جلسه هستند. ایشان همین الان در جلسه هیأت وزیران حضور دارند که گفتند اگر توانستند خودشان را می‌رسانند.

اگر اجازه بدهید بحث میزگردمان را شروع می‌کنیم. سه بزرگوار صحبت‌هایی کردند در مورد قلعه. خانم دکتر چوبک ابتدا هم درباره قلعه‌ها را صحبت کردند و هم بیشتر بر الموت تأکید کردند، واقعاً این صبر و حوصله ایشان نشان‌دهنده بیست سال کار ایشان بود. آخرین کارهایی که انجام داده بودند در سال ۹۷ کار عملی روی این قلعه بود. آقای ژان کلود وازن از آن سوی دنیا آمدند، ولی اکثر قلعه‌ها و برج باروهای ایران را از نزدیک دیده‌اند و تحلیل کردند که چه دوره‌های مهندسی روی هم آمده و چه اتفاقاتی افتاده و هنوز هم دارند ادامه می‌دهند. آقای دکتر اولیاء خیلی روی اعداد و اسامی و نام‌ها جلو رفتند و تحلیل کردند و جالب بود که اشاره می‌کردند که باز هم باید ادامه دهند. شاید هم اشتباه کنند روی این اعداد و متوجه می‌شویم که این قلعه‌ها چقدر تأثیر مستقیم بر تاریخ و مهندسی ما دارند.

شاید از اینجا سؤال را شروع کنیم که مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی از سال ۶۲ تا الان دانشنامه‌های زیادی را نوشته و در مورد قلعه‌ها هم نوشته شده، شاید آقای بجنوردی در ایران باید با چه نگاهی روی قلعه‌ها نوشته شود.

من خودم درباره «دانشنامه مهندسی در ایران» یک نگاه فرهنگی دارم و طبیعی است که بیشتر فرهنگی هستم تا فنی، من معتقدم برای درک قلعه و ساخت قلعه اولاً نمی‌توانیم قلعه را به صورت مجرد بفهمیم و نگاه کنیم. اول باید ببینیم که در چه شرایطی اجتماعی، در چه شرایط تاریخی، در چه شرایط اقتصادی و به اصطلاح در چارچوب چه مناسباتی به وجود آمده. ما وقتی می‌خواهیم یک قلعه را بنویسیم صرفاً به این نمی‌پردازیم که مصالح ساختمانی آن چیست و چه جوری تهیه شده، یا نقشه معماری آن چگونه است یا استحکامات آن به چه صورت است، بلکه در یک متن تاریخی آن را نگاه می‌کنیم و می‌فهمیم. اگر غیر از این باشد نگاه ما ناقص خواهد بود.

در واقع در اینجا ما با شرایط اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و جوانب مختلفی که این قلعه به وجود آمده سروکار داریم. چه بسا این قلعه در طول تاریخ چندین بار و در دوره‌های مختلف بازسازی شده و به اصطلاح قلعه‌هایی که در دوره ساسانیان بوده و در دوره اسلامی مجدداً بهره‌برداری شده و ساختمان‌هایی بر آن افزوده شده و بازسازی شده، تمام اینها می‌طلبد که ما شرایط تاریخی را ببینیم. به عبارت دیگر نمی‌توانیم یک سازه را منهای شرایط محیط آن، محیطی که آن را به وجود آورده نگاه کنیم. این به معنای این است که وقتی که یک قلعه را می‌خواهیم نگاه کنیم و بنویسیم بخش زیادی از وجوه فرهنگی جامعه را منعکس می‌کنیم و این بسیار بسیار مهم است که به جهانیان و به ایرانیان می‌شناسانیم. اضافه بر این در اطراف هر قلعه‌ای داستان‌هایی به وجود می‌آید و بعضاً این داستان‌ها جنبه دارد.

در این قلعه‌ها چه بسا شخصیت‌های کاری زماتیک حضور داشتند؛ وقایع تاریخی به وجود آمده؛ حتی معماری آن قلعه مربوط می‌شود به شرایط اقتصادی، نظامی، سیاسی و تاریخی آن دوره، مثلاً وقتی که به قلعه الموت می‌روید که خانم چوبک (خدا حفظ‌شان کند) خیلی زحمت کشیدند و همچنین یاد کنم از رئیس کتابخانه جناب آقای دکتر عنایت‌الله که در زمینه قلعه‌های اسماعیلی مخصوص روی قلعه الموت خیلی کار کردند ایشان گفتند، مثلاً سیستم آب الموت سیستم بسیار پیچیده‌ای است و چه بسا حتی در اطراف این هم داستان‌سرایی شده. ما نمی‌دانیم چقدر آن داستان است و چقدر آن حقیقت است؛ یعنی هنوز تحقیق و کاوش ادامه دارد. مثلاً قلعه قروه کردستان یا قلعه فلک‌الافلاک و ... هر یک حامل داستان‌هایی است و اگر بتوانیم واقعاً جنبه‌های فرهنگی و معرفتی اینها را بنویسیم، آن وقت این فکر ما اصلاح می‌شود که فقط این نیست که ما به جنبه‌های فنی و مهندسی مسئله به معنای دقیق کلمه، فقط به آن می‌پردازیم، نه این‌طور نیست جنبه‌های فرهنگی بسیار قوی است و من برای همین وقتی که با آقای دکتر محمودی صحبت می‌کردم، می‌گفتند نقش مهندسی، در ایجاد فرهنگ و تمدن دیده نشود و در این دایره‌المعارف باید ما این را ببینیم. مهندسان ما سازندگان کشورند. درست است همه رشته‌ها نقش سازندگی دارند. فلاسفه هم دارند مورخان هم دارند، ادبا هم دارند، شعرا هم دارند، بسیار خوب همه اینها تحسین برانگیز است، شکی نیست، ولی آنچه را که به نظر خودم تا به حال مفقود مانده، نقش مهندسان است. مهندسان با کاری که می‌کنند و چیزهایی را که خلق می‌کنند، این نمی‌تواند بهای شرایطی را که در آن به وجود آمده باشد. باید ما آن شرایط را بشناسیم. وقتی که قلعه الموت را بخواهیم بنویسیم، باید وضع سیاسی، اقتصادی، شرایط جامعه، حتی شرایط مذهبی آنها و حتی رابطه قومی آنها با طوایف دیگر، با اقوام دیگر و بعد مسائل نظامی‌گری و خیلی از مسائل را در نظر بگیریم که مستقیماً حتی با خود معماری هم مربوط می‌شود و مخصوصاً ما در لابه‌لای داستان‌هایمان می‌بینیم که این قلعه‌ها نقش پدیدآورنده دارند، نقش مهمی دارند. من استدعا می‌کنم از آقای دکتر محمودی مدیر اجرایی این دانشنامه این است که باید این جنبه‌ها را ببینند و برای هر یک از قلاع پرونده علمی جامعی فراهم شود. این‌طور نباشد که فقط یک نفر مثلاً به دلیل اینکه این همه نقشه معماری را می‌خواند یا مصالح را می‌شناسد یا محاسبات استحکام را می‌داند و به اصطلاح معماری می‌داند، فقط این نیست. فقط این نیست و باید با نگاه جامعی به مسئله نگریسته شود. آن وقت دانشنامه‌ای که به وجود می‌آید،

دانشنامه‌ای است که واقعاً نوآوری دارد؛ یعنی همان چیزی که می‌خواهیم به وجود بیاوریم. متشکرم.

محمودی

آقای بجنوردی فرمودند ولی آقای دکتر فلامکی شما استاد مسلم معماری استاد مسلم مرمت و مرمت شهری، چهره ماندگار و دیگر بقیه‌اش را نگوییم... ولی با این صحبت‌هایی که آقای بجنوردی فرمودند از نظر شما آقای دکتر تعداد دانشنامه‌هایی که در ایران تا حالا انجام شده تا الآن کم نبوده، عذرخواهی می‌کنم از آقای بجنوردی ولی به نظر شما تکراری نیست نوشتنش.

فلامکی

من بعد از فرمایش‌های آقای بجنوردی چیزی ندارم. از آقای دکتر محمودی نپرسیدم که من چه باید بگویم و به من هم نگفتند فقط راهم دادند که اینجا در خدمتان باشم.

اما نکته اصلی که برایم مطرح بود این است که از این دانشنامه سخن بگویم و این را هم به دست معماران سپرده است و سرور بنده آقای دکتر محمودی هم زمانی که دانشگاه تهران بودند بسیار جدی روی این قضایا کار می‌کردند (توجه شود). حالا این دو تا را با هم یکی کنیم بگوییم دانشنامه جهان تازه‌ای را مطرح کند و این طریقه بسیار قدیمی شده است و منفعل و سازنده هنوز معمول در کشورمان را کنار بگذارد و به قلعه به عنوان اثری نگاه شود که گویی قلعه زنده است و در زنده بودنش هم رابطه‌های بسیار پیچیده‌ای با محیط اطراف خودش دارد. این را این‌گونه ببینید و این بخشی از سرزمینی است که هنوز عجلتاً زنده است و این زنده بودن را در تمام سطح کشورمان قرن‌هاست که داریم تجربه می‌کنیم و به آن پایبند هم هستیم. من یادداشتی کردم که نکته اصلی این است که یک بار دانشنامه بحث قلعه را جدی می‌گیرد و این را به‌عنوان مقوله‌ای که با تعهد نگذارند برای کسی دیگر دانشنامه را برای تعبیر تحلیل کنند، بلکه برای همه کسانی که محتاج به این هستند به این مقوله این سند ملی ما قضیه شکل پیدا می‌کند. من اگر هم قبول کردم هیچ نمونه‌ای را خدمتشان نمی‌آورم. نمونه‌هایی را در حال متفاوتی تجربه کردم این را گذاشتم کنار و الآن هم اگر به من بفرمایید که قلعه را چگونه باید دید خواهیم گفت که قلعه را به‌عنوان یک موجودی که هنوز دارد زندگی می‌کند و اثرگذاری‌های بسیار سنگین می‌شود که ضمن اینکه خودمان چه جامعه‌ای داریم زندگی می‌کنیم.

جامعه‌ای را از راه اصلاح به ما تحویل می‌دهد. این هیچ‌وقت منفعل نمی‌تواند باشد، ولی ما وادارش می‌کنیم که منفعل باشد و به تمام وعده‌هایمان به صورت اشیای منفعل که منتظرند ما برایشان خدمت کنیم و این یادداشتی است که باید از طرف دکتر محمودی به هر حال به این سازمان عظیم، به هر حال یادآوری شود.

ما همه را از سیر تا پیاز می‌دانیم. همه را بلدیم. در بهترین شرایط کتاب چاپ می‌کنیم تا به دیگران بگوییم، ولی با این کار قلعه‌هایی که در سراسر کشور داریم هیچ وقت به جایی نمی‌رسند. این نگرش، نگرش منفعل است. ضمن اینکه مثبت است، منفعل است برای اینکه می‌ایستد که ببیند چگونه با آن رفتار می‌شود. اگر توانست پاسخ می‌دهد و گرنه وجه انفعال را در آن نگه می‌دارد. ولی قلعه‌های متکی به تاریخ و متعلق به تاریخ، نه متعلق به روز. البته این متعلق به تاریخ را که به آن نحوی که نگذاشتند ما خودمان تاریخ را به‌عنوان یک مجموعه شرایط فعال و اثرگذارنده در همه ابعاد به آن نگاه می‌کنند. من نباید پرحرفی کنم و اینجا یادداشتی دارم که برای خودم مفصل است که اگر بشود به عرضتان می‌رسانم و خلاصه آن این است که اگر ما بخواهیم به قلعه نگاه کنیم، حتماً برای بازشناسی قلعه موظفیم به سرزمین قلعه برگردیم. به سرزمین قلعه که بنگریم مجبوریم به تاریخ سرزمینی که قلعه را در خودش نگه داشته نگاه کنیم و این الزاماً به شهرهایی می‌برد که در آن و در اطراف آن قرار گرفته است.

یک مقوله تازه پیش می‌آید که این مقوله را همه می‌دانند. هر بار ما به سادگی قلعه به این دلیل بوده که آثار زندگی در آن پیدا کردیم و تلاش کردیم آثار زندگی را در اون قلعه و فقط بر اون قلعه یک جوری به آن بنگریم، نه اینکه ببینیم این آثار

که معمولاً آثار شخصی، آثار خانوادگی و گروهی هستند اگر بخواهیم ببریم بیرون قلعه چه بلایی سرش می‌آید یا چه جوری به آنها توجه می‌شود یا آیا اثر می‌گذارند خودشان به تنهایی هر جوری که انحصار مطلق بین قلعه و شهرها به راحتی دیده می‌شود این دانه‌دانه بودن قلعه‌ها یک بحث بسیار جدی است. قلعه‌هایی هست که در آنها زندگی می‌شود و عجالتاً مونده هنوز، اگر بخواهیم به اینها نگاه کنیم این آسیب‌شناسی روزمره شناخته شده معروف در قلعه‌ها را دیگر ما نمی‌توانیم به آن تکیه کنیم و مجبوریم گستره وسیع‌تری را هم از مسئولیت‌هایی که برای مدیران اجرایی کشور وجود دارند به این افراد نگاه کنیم و این کار ساده‌ای نیست خیلی دوست داشتنی نیست بخاطر بیاوریم که اگر در یکی از شهرهای ما سیل جاری شود این سیل به غیر از خودش به شهر دیرین خودش و به ۱۲ شهر دیگر انتقال پیدا می‌کند و هیچ کس هم نمی‌داند همه خیال می‌کنند. باید فقط در شهر اولی گریبان آب را بگیرند، در حالی که همه عزیزان می‌دانند که مدت‌هاست و بیش از نیم قرن است که مهندس مشاور را دایر کردیم به عنوان کسی که باید جای آن افراد همه چیز را ببیند. البته من اینجا خیلی بحث متفاوت و جدی برای خودم دارم که جرأت نمی‌کنم به عرض برسانم ولی نهاد مهندسی مشاور یکی از بحث‌انگیزترین مقوله‌هایی است که ما در کشورمان داریم همه ما مجبوریم به آن احترام بگذاریم و هیچ راهی هم عجالتاً ندارم برای اینکه ما ۳ تا وزارتخانه داریم که سه تا آخرینش هم وزارتخانه شد به همت شخص جناب دکتر طالبیان این سه تا وزارتخانه نه فقط باید با هم همکاری کنند (ایوان کریمه) کمترین وزارتخانه‌ای که باید به هم احترام بگذارند و بعد به مهندس مشاورشان حکم کنند که شهر را چگونه، یکی وزارت راه و مسکن متعلق است به وزارت شهرسازی کنونی و یکی هم وزارتخانه‌ای است که الآن به حفاظت مناظر ارجمند فرهنگی و هنری ما می‌پردازد و سومین هم وزارت کشور است. وزارت کشور هم نمی‌تواند هر وقت دلش خواست به بخشنامه می‌نویسد به شهردار که دارد اظهارنظر می‌کند و شهردار اگر بخواهد تعویض شود یا اگر بخواهد جایش دیگری بگیرد باید معین کند که براساس چیست ببیند این سه وزارتخانه تا موقعی که شده‌اند و ما از راه یگانه نقش اول اینها هنوز نرفتیم به اصطلاح مهندسی مشاور یک مقوله سنگینی اگر مهندسی مشاور مجرب و عاشق را پیدا کنیم که کشور ما را ببیند و آن را ادغام کند براساس فرهنگ سرزمین متکی به تاریخ کشورمان هیچ راهی ندارد جز اینکه همان فرمول‌ها را از آن استفاده کنند و براساس این ضوابط که این ضوابط کافی نیستند بگذارند.

من دارم پرحرفی می‌کنم ولی یادداشتی که تهیه کردم دارای نه مورد معین است که این نه مورد را حق ندارید هیچ کدام از اینها را نگاه نکنید. حکم بر این است که این یک موجودیت مقدس است که به همان اندازه که در گذشته اهمیت داشته در آینده هم اثرگذاری داشته باشد که کلیدی است که دیروز سرزمین‌های مقدس ما را به آینده همین سرزمین‌های ما وصل می‌کند و ما به آنها توجهی نمی‌کنیم و قلعه‌های متفاوتی داریم و هر کدام حکمت‌های متفاوتی دارند و هر کدام در شرایطی قرار گرفتند که این شرایط اگر بخواهد دایرةالمعارف ارجمند و این را ریشه‌ای نگاه نکند و ما می‌گوییم در سال‌های آخر دهه خودمان فرصتی ارجمند داشتیم که بیداری رسوخ کرده در دایرةالمعارف و این بیداری سبب شده که به‌عنوان یک ابزار بسیار مهم سرزمینی و تاریخی کشورمان از این استفاده کنیم و بنگریم که چگونه به آن پرداخته می‌شود.

نمی‌توانیم قلعه را به‌صورت مدیریتی است که بسیار مقدس است پر ارزش و پر از ابزارهایی در آن است پر از ارزش و نمادهایی در آن نگه داشته نمی‌توانیم به عنوان گنجی به آن نگاه کنیم که به صورت منفعل و فقط به صورت منفعل باید به آن بنگریم من بسیار پرحرفی کردم.

محمودی

آقای دکتر طالبیان همان‌طور که من می‌شناسم ۳۰ سال است در میراث فرهنگی هستند، نه فقط در سازمان میراث فرهنگی در میراث فرهنگی کشور هم هستند و اگر اشتباه نکنم ۱۸ اثر ملی دارند تبدیل کردند به اثر جهانی از نظر علمی و حرفه‌ای این را

انجام دادند. سؤال من این است که آقای دکتر طالبیان در این ۱۸ تا چند تا قلعه بوده و حالا که این دانشنامه با همت همه راه می‌افتد چه انتظاری دارید که در این ثبت جهانی این تعداد را بیشتر کنیم خوب است یا خیر.

طالبیان

تشکر می‌کنم از جنابعالی و آقای بجنوردی که این شرایط را به وجود آوردند و در واقع هم برای دانشنامه و هم برای همه مفید است و هم برای ترویج این ارزش‌های میراث فرهنگی که به هر حال از طرق مختلف باید اتفاق بیفتد که یکی از اینها دانشنامه است. من از همین صحبت شما استفاده می‌کنم و در ادامه سخنان آقای بجنوردی و آقای فلامکی که استاد بنده بوده و موضوع دو تا از اینها که خودم مستقیماً به هر حال افتخار داشتم که بفهمم شما اگر می‌خواهید دانشنامه را تدوین کنید به هر حال چگونه اتفاق بیفتد شاید آن دو مورد را خدمت شما عرض کنم یک مقداری به آن چیزی که وجود دارد نزدیک‌تر شویم یکی زلزله بم و یکی شوشتر را برایتان توضیح می‌دهم. حالا تعدادی دیگر هم در این زمینه وجود دارد، ولی شاید این دو مورد خیلی مستقیم به موضوع قلعه و موضوع، اولاً همان‌طور که دکتر اولیاء هم به آن اشاره داشتند موضوع، موضوع امنیت است. موضوع دفاع است که واقعاً مقدس است. امنیت فقط ظاهری و فیزیکی نیست، امنیت غذایی است، امنیت آبی است، امنیت حمل‌ونقل است و تمام چیزهایی که بشر در این دوره به آن نیاز دارد و زمانی که زلزله در بم رخ داد، من در روز دوم افتخار داشتم در آنجا حضور داشته باشم و بلافاصله بعد از اینکه کمک‌های اضطراری ایجاد شد کمک‌های جهانی باید می‌آمد و گفتم اگر در فهرست جهانی قرار نگیرد نمی‌شود و ما بلافاصله شروع کردیم به تحقیقات آماده کردن و پرونده‌ای را آماده کردیم و خود ارگ بم یک مجموعه خیلی خیلی وسیع است. اسنادی که باید آماده می‌کردیم ساده نبود و همه اینها را که گفتند بدون کار چندرشته‌ای اتفاق نمی‌افتد. یعنی نمی‌شود مسئله زمین، مسئله اقتصاد و کل آن بستر و حوزه فرهنگی را شناسی و بعد بخواهی راجع به یک قلعه یا ارگ یا دژ صحبت کنیم و ما به عنوان یک مهندس، یک معمار فکر می‌کردیم به راحتی می‌توان با جمع کردن اسناد به این نتیجه رسید. هر چه جلوتر رفتیم دیدیم این عمق وسیعی دارد و بیشتر باید روی آن کار انجام شود و قرار بود به خاطر اینکه فرصت خیلی کم بود و با چیزی که در حوزه میراث وجود داشت هم به لحاظ باستان‌شناسی و هم به نظر معماری و شهرسازی خود ارگ بم به تنهایی می‌توانست در فهرست جهانی بم قرار بگیرد و هر چه جلوتر می‌رفتیم می‌دیدیم قصه‌هایی پشتش است که شبکه‌ای از این جریان وجود دارد که باید آن شبکه را دید و نمی‌توان گفت خودش به تنهایی و به صورت مجرد و قصه‌هایی وجود داشت از نامی که بم روی آن وجود داشت و وقتی ما می‌دیدیم یک قصه‌ای در مورد ترکیدن کرم ابریشم و یک داستان خیلی قدیمی پشت آن وجود دارد که بعد وقتی این کرم می‌ترکد صدای بم می‌دهد یکی از این چیزها که به نظر می‌رسد که شاید اصلاً نام بم براساس این قصه اتفاق افتاده باشد یعنی از نامی که راجع به این موضوع وجود دارد می‌شود بحث کرد و غیره....

یک مقدار که پیش می‌رفتیم خود این دیاگرام استقرار و سیر تحول این ارگ بود که به هر حال خشت‌هایی به دست آمد که زلزله در حاکم‌نشینی که از هخامنشی تا حداقل دوره قاجار و دوره‌های مختلفی در ارگ وجود دارد که هر کدام قصه‌های مختلفی دارند و تفسیر هر کدام سازه‌هایی بهش تعلق داشت اصلاً خود دیاگرام ایجاد شهر نشان‌دهنده این بود که این قلعه‌ها و موجبات استقرار و توسعه سرزمینی پشت سر اینها بود و بعد که مقداری پیش رفتیم دیدیم که ما با چنین جریانی مواجه نیستیم. ما مواجه هستیم با بخش آبرسانی آن وابسته بود به یک نظام آبی که بعداً در طول زمان قنات‌ها خلق می‌شوند و بعد جریانی وجود دارد در این منطقه و بعد که بیشتر جلو رفتیم دیدیم کل نظام کشاورزی، نخل‌ها، قنات‌ها، استقرار گاه خود زندگی مردم اینها خودشان یک اصولی دارند هر چقدر که جلوتر رفتیم دیدیم قلعه‌هایی وجود دارد که در مقیاس‌های مختلف وجود دارد. بنابراین شما از یک جزء یک دنیا وجود دارد تا برسید به کل که حالا باید کل را در ارتباط با هم تفسیر کنیم و ما آن موقع فکر می‌کردیم کاملاً درست است.

در حوزه فرهنگی، تاریخی خیلی غنی که حالا به دلیل اینکه یونسکو که منظر فرهنگی را در نظر می‌گیرند بنابراین کل آن چیزهایی که ما در روزهای اول در نظر داشتیم کاملاً متحول شد، بنابراین کلیاتی وجود دارد که حتماً باید آن را به دقت دید و آن هم هیچ وقت به دست نمی‌آید مگر اینکه رشته‌های مختلف و دانش‌های مختلف کمک کنند. در واقع اگر آن دانش‌های مختلف نباشند نمی‌توانید تعریف دقیقی از موضوع قلعه بیان کنید؛ چون همه اینها مهندسی هستند دانشنامه مهندسی به دست بیاورید. در واقع کار سختی است این یک مورد که من می‌خواستم خدمت شما بگویم. مورد دوم شوشتر بود که دارای یک نظام آبی تاریخی بود که مدیریت سرزمینی که خیلی اهمیت دارد آنجا قلعه‌ای وجود داشت به نام قلعه سلاسل که یکی از آن عناصر ۱۳ گانه مجموعه‌ای ما آن را در فهرست جهانی قرار دادیم و ما هرچه جلوتر می‌رفتیم می‌دیدیم که وقتی که آب کارون وارد این دشت می‌شود قصه و مطلب دارد تا بیاید به این تقسیم آب دو دונکه و چهار دونکه اتفاق بیفتد سیستم‌های صنعتی که در واقع یکی آسیاب است و سیستم‌های کشاورزی و یک جایی در واقع باید این را مدیریت کند و امنیت را برای کل آن منطقه ایجاد کند. بنابراین این کار، کار آسانی نیست؛ یعنی شما از آنجا همین‌طور ادامه می‌دهید تا می‌رسید به جایی از منطقه‌ای دژ و کارون به آن می‌پیوندد و همه اینها آثاری است که توسط سیستم‌های قلعه‌ای و دفاعی از اینها محافظت می‌کردند. بنابراین ما مواجه هستیم با شبکه‌ای از مهندسی که این شبکه مهندسی مهم است و باید آن را تفسیر کنیم. تقریباً بسیاری از اینها دارند حالا ممکن به صورت عادی که ما مثلاً می‌گوییم قلعه دارای چه ویژگی‌هایی از دید معماری باشد ممکن است اینجوری نباشد وقتی شما به تخت جمشید هم نگاه می‌کنید چاره‌ای ندارید که برج و بارو و حصارها را در درون خودش حفظ کند شما می‌روید مگر می‌شود در واقع پاسارگاد را حفاظت کرد ولی در واقع قلعه تخت که روی آن آثار بدست آمده که باز هم در اطرافش سیستم‌های دفاعی، مگر می‌شود شما آن را نبینید. شما مگر می‌شود در چغازنبیل وارد شوید و آن حالت قلعه مانند و حالت حصار سه‌گانه را نداشته باشیم. اصلاً امکان ندارد. من می‌خواهم بگویم که خوشبختانه قلعه‌های ما یکی از عناصر معماری ما هستند که به نسبت بقیه آثار مانده‌اند، ممکن است در طول زمان فرسایش پیدا کرده و بخش‌هایی فرو رفته باشند ولی مداخله کم شده است دو هفته پیش من قلعه ایرج بودم در ورامین و خیلی جاهای دیگر یک قلعه بسیار بسیار استثنایی که البته از نظر من در جهان بی‌نظیر است. حداقل جاهایی که من رفتم ولی رها شده باید کاوش شود که شاید باید چندین سال اتفاق بیفتد. ۱۴۵۰ در ۱۵۵۰ متر که در درونش کشاورزی‌های مختلف دارند کشاورزی می‌کنند در برونش انجام می‌دهند ولی خندق و دیوارهایش و ورودی‌اش و اینها تقریباً با یک کاوشی اگر اتفاق بیفتد کاملاً براساس اسناد می‌توان اینها را بازسازی کرد حتی از ورودیش گرفته، مصالح، اتاق‌هایی که وجود دارد و اتاق‌هایی که اینجا افتاده، قصه‌های تاریخی که پشت اینجاست، نوشته‌ها و اسنادی که به دست آمده در دوره‌های مختلف فوق‌العاده است و اسطوره‌هایی وجود دارد که بی‌نظیر است. من می‌خواهم بگویم که انصافاً برخی از اینها الگوی مادر است.

مثلاً قلعه ملک‌الافرا جزء اینها محسوب می‌شود حتماً خانم دکتر چوبک در مورد قلعه الموت مفصل گفته‌اند حتماً در واقع ارگ بم به‌عنوان الگوی درست یکی از کهن‌ترین‌هاست و برخی از اینها الگوهایی هستند که سایر معماری‌ها از این کسب تجربه می‌کنند. می‌خواهم بگویم این موضوعی که شما الان انتخاب کردید فوق‌العاده مهم و پایه‌ای است و ما خیلی روی آن کار نکردیم. خیلی جسته و گریخته اتفاقاتی افتاده ولی روی آن کار نشده که امیدواریم کار شود.

محمودی

دوستان وقتی شنیدند البته بعضی‌ها که می‌خواهیم راجع به قلعه صحبت کنیم با آقای بجنوردی صحبت کردند که چرا دوباره در مورد این مسائل قدیمی صحبت می‌کنید، حرف‌های جدید بزنید و اجازه بدهید ما روی قلعه‌ها کار کنیم. آقای بجنوردی الان چند مرکز تحقیقاتی و پژوهشی و چند دانشگاه معتبر رشته‌های گرایش‌های مطالعاتی و پژوهشی راه‌اندازی کرده‌اند. میزگرد در خصوص دانشنامه‌ها و تاریخ مهندسی قلعه است و به هر حال داریم صحبت می‌کنیم. این دانشکده‌هایی که بیشتر دانشکده معماری

هستند نوشته‌های مطالعاتی و پژوهشی را راه‌اندازی کرده‌اند نظر شما چیست؟ چگونه می‌شود از استادان آنجا، فارغ‌التحصیلاش در آنجا حضور دارند ارتباط پیدا کنند با دانشنامه مهندسی در ایران و تحت الگوی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی تا چندین دانشنامه منتشر کرده و موفق هم بوده دانشنامه خلیج فارس، دانشنامه تهران و دانشنامه‌های دیگر، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی به سه زبان، فارسی، عربی، انگلیسی بیرون می‌آید خوب این پژوهشگران و استادانی که کارشناسی ارشد و دکتری دارند کارهای مطالعاتی و پژوهشی انجام می‌دهند چطور می‌توانند با این مجموعه ارتباط برقرار کنند.

بجنوردی

البته وقتی که قرار است مقاله جامعی درباره یک قلعه نوشته شود معنی این نیست که یک محقق می‌تواند تمام جنبه‌های آن را پژوهش کند؛ زیرا مقالات علمی مبتنی است بر کارشناسان معتبر و تا حدودی تخصص می‌خواهد و یک نفر نمی‌تواند هم معماری آن را بنویسد و هم جنبه‌های دیگر و تاریخ، ادبیات و فولکلور آن. ما در مرکز دایرةالمعارف وقتی که درباره موضوع مهمی می‌خواهیم بنویسیم اول طرحی تهیه می‌کنیم برای آن مدخل و بعد برحسب تخصص تقسیم می‌کنیم بین استادان محترم. قطعاً اون چیزی که شما می‌فرمایید که در دانشکده‌های مختلف معماری در این زمینه‌ها کار شده از همه آنها می‌شود استفاه کرد. از آثاری که پدید آوردند می‌شود استفاده کرد. ولی اگر در اسناد ملی اسنادی هم از بیش از ۱۰۰ سال پیش داشته باشید ما استفاده می‌کنیم، ما از هر سندی استفاده می‌کنیم.

بنابراین حتی در تحقیقات تاریخی هم ما حتی از سکه‌ها استفاده می‌کنیم. در مرکز دایرةالمعارف مجموعه زیادی از سکه‌ها را داریم و این جزء مستقرات محسوب می‌شود و اسناد مختلفی را جمع‌آوری می‌کنیم.

بنابراین برای استفاده از مطالعاتی که این پژوهشکده‌ها انجام می‌دهند اینها قابل استفاده است. اما باید بدانیم که یک نفر جامع همه تخصص‌ها نیست. البته گاهی استثنا وجود دارد. برای نمونه آقای دکتر زوار خویی، هم فیلسوف بود، هم متکلم بود، هم مورخ بود، هم محقق بود، هم زبان‌دان بود یا مثلاً آقای دکتر مجتبی همین خصوصیات را دارد و آقای دکتر علی‌پور هم چندرشته‌ای بود. معمولاً کار، کار تخصصی است. مخصوصاً درباره قلعه‌های تاریخی باز هم تأکید می‌کنم که همیشه داستان‌هایی وجود دارد. این داستان‌ها در کتاب‌ها آمده و شکل فولکلور پیدا کرده. این داستان‌ها ممکن است تخیلی هم باشند و واقعیت نداشته باشند؛ ولی چون وجود دارد، چون مکتوب می‌شود، چون اسناد است باید نوشته شود، چرا که بخش عمده‌ای از فرهنگ ملی ما فولکلور است و ما از طریق فولکلور رفتارهای آیینی مردم را می‌فهمیم و درک می‌کنیم.

ما از طریق رفتارهای آیینی می‌توانیم تا حدودی ویژگی‌های فرهنگ ملی را بفهمیم و کشف کنیم. بنابراین از همه این منابع باید استفاده کنیم. البته دایرةالمعارف‌های زیادی دارد نوشته می‌شود و نوشته شده در هر یک از اینها بعضی قلعه‌ها، بعضی سازه‌ها آمده توضیحاتی داده شده و ما حتماً باید بهره بگیریم.

محمودی

به هر حال همان‌طور که فرمودند کار بسیار پیچیده‌ای است، ولی آن مرکز نشان داده است که توانسته و انجام داده و هر بار در هر دوره‌ای که به فرض عزیزی از دانشگاه قهر کردند آمدند پیش شما و اینجا ادامه دارد.

بجنوردی

آن قدر این مسئله برای ما شگون داشت که استادان من و من می‌گفتم آهان نعمت رسیده حالا همه اینها را جذب می‌کنیم. اینها کسانی هستند که دلیل ندارند و برخی از این استادان واقعاً جنبه بین‌المللی داشته‌اند و بعید است که به سادگی بشود مانند آنها

را پیدا کرد و متأسفانه بخش بزرگی از بزرگان علم و ادب و دانش فوت کرده‌اند و ما تلاشمان این است که جوانان را تقویت کنیم.

محمودی

ولی آقای دکتر فلامکی اسم این دانشنامه دارد می‌شود "دانشنامه مهندسی در ایران" یکی از رشته‌هایش هم معماری است؛ ولی تا الآن داریم می‌بینیم که قسمت معماری‌اش خیلی پر رنگ‌تر است ولی وزارت علوم ۱۵ رشته مهندسی را اعلام کرده کرده، ملاک را هم گذاشتیم همان ۱۵ تا. در واقع حتی مهندسی پزشکی، مهندسی کشاورزی و مهندسی معدن، همه اینها هم هستند. با تجارب بسیار زیادی که شما دارید چکار کنیم که بقیه رشته‌ها هم جذب شوند. خوشبختانه بقیه رشته‌ها مثل مهندسی آب و منابع طبیعی و محیط‌زیست هم جذب شدند و حتی اتاق فکر هم شکل گرفته و تصمیمات خیلی خوبی را هم دارند می‌گیرند. چه پیشنهادی دارید که بقیه رشته‌ها هم بیایند تا فقط نگاه معماری حاکم نباشد یک مقداری با سده مهندسی داریم البته من اعتقاد دارم اون سده‌ها قبل کسی که اون کار را انجام می‌داده همه رشته را می‌دانسته الآن به او می‌گفتند معمار چطور الآن آکادمی شده ما می‌توانیم از همه رشته‌ها کمک بگیریم؟

فلامکی

من یکی دو دفعه نکته‌های فرمایش‌های شما را یادداشت کردم. زمان کم است و نمی‌رسیم در موردشان صحبت کنیم، ولی یادم است روزی، روزگاری در همین دانشکده خودمان برای کارهای پژوهشی، علمی و به‌ویژه کارهایی که می‌خواستیم به چاپ برسانیم در دانشکده همکار پیدا می‌کردیم و این جو بسیار جذاب بود که سرور بنده جناب آقای دکتر طالبیان به آن مسلط هستند که اگر دوست داشته باشند خودشان بهتر توضیح می‌دهند. ما شروع کردیم برای لبه جنوبی خزر از سمنان تا نیشابور همه را مطالعه کردیم.

آقای دکتر فرمودند عاشق بودیم و این کارها را می‌کردیم و به هر حال آن موقع به راحتی توانستیم به موفقیت برسیم که یکی از اینها معمار بود باید از رشته‌های دیگر بیایند و با هم توافق نظر کردیم تمام شهرها را بررسی و مطالعه کردیم تا توانستیم یکی از آنها را به صورت کتاب به چاپ برسانیم. از دانشگاه تهران این کار به خصوص به وجود آمده و گشاینده راه بود ولی نتوانست ادامه پیدا کند. برای اینکه از بودجه خصوصی نمی‌توانستیم کارهای مملکتی انجام دهیم ولی هیچ کسی به ما یعنی یک تعداد ۲۰ نفره از معلمان دانشکده هنرهای زیبا و دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و بعضی از عزیزان دانشکده فنی این امکان دیگر وجود ندارد، ما الآن بیاییم و اثر فرهنگی انجام بدهیم چون دلایل متفاوتی برایش هست کسانی هم که پناه می‌آورند برای این کار مثل سرور بنده راه دیگری جز این کار ندارد پس قبول می‌کند و کار را انجام می‌دهد و از رشته دیگر سخن می‌گوید پیش از اینکه با رشته‌های دیگر تبادل نظر کند و کار پژوهشی انجام می‌دهد و به ویژه که بخواهد کار پژوهشی را چاپ کند و ما نمی‌توانیم درخواست کنیم این جو الآن وجود ندارد و نمی‌توانی درخواست کنی که دانشکده‌های مختلف که دارند خودشان را آماده می‌کنند که فوت استادان را جشن بگیرند یا بازنشستگی آنها را که عین فوتشان می‌ماند حاضر نیستند که کمک کنند و جو این را ندادیم که بیایند و این مقوله چنین جدی را که همان‌طور که آقای دکتر طالبیان فرمودند این موضوع را ادامه بدهند و هیچ راهی جز این نداریم و وجود ندارد. باید تحقیق کنیم با امکانات کم‌وبیش محدودی که در اختیار داریم تا بتوانیم شعله‌ای را که هنوز خاموش نشده کاری کنیم که خاموش نشود تا اینکه نسل بعدی ما بیایند.

جناب آقای دکتر طالبیان فرمودند که برای بزم اولین گروه میان‌دانشی را درست کردند حسن نیتشان گفته شد و در آنجا یک دوره نسبتاً کوتاه میان‌دانشی بودن صورت گرفت و نتایجی هم به دست آمد. ولی نتیجه‌ای که بعد دست داد رها کردن بزم به حال

خودش بود و منتظر زمین‌لرزه بعدی بودند و نه استانداری کرمان و نه فرمانداری بم نمی‌آمدند به این قضیه و سازمان میراث فرهنگی هم ابزار لازم برای چنین کاری را نداشت.

اگر بخواهد وزارت تازه تأسیس ارجمندی که به وجود آمده کار کند باز هم ناز می‌کنند و نمی‌تواند بدون توافق وزارت کشور و بی‌توافق و بی‌همدلی با وزارت مسکن و شهرسازی کار خودش را جلو ببرد و این وزارتخانه‌ها به هر حال تکلیفشان روشن است. وزارتخانه‌ای که ۱۱ سال وزیر می‌دارد که بسیار انسان شایسته‌ای است و عمل می‌کند و می‌آید استعفا می‌دهد. نمی‌فهمد اصلاً به هر حال ما در داخل چنین وضعیتی هستیم یک دگرگونی اساسی را فدای اندیشه جوانان یک دانشگاه بهش کمک کند. که بتواند شکل بگیرد و برود عقب اون کارها ساختار دانشکده‌های ما هیچ کدام حاضر نیست عقب اون مقوله‌هایی بگردد اگر بخواهد آن را به عمل برساند و به نتیجه برساند پشتیبانی لازم است. معلم خوب دانشگاه‌ها مخصوصاً در شهرستان‌ها که عاشق این جور کارها هستند به اینها بودجه نمی‌دهند و بنابراین هیچ کاری نمی‌توانند بکنند و شخصاً سروران بنده این را یک جوری روشن نگه دارید تا بتوانیم این جوانانی که عشق به دانش دارند بتوانند کار خودشان را انجام بدهند.

محمودی

ولی اشاره‌ای که کردید به مراکز دولتی و خصوصی واقعاً این مرکز، مرکز خصوصی است و سخت هم بود، فراز و نشیب هم زیاد داشت و از آقای دکتر طالبیان می‌خواهم بپرسم.

با توجه به این گذشته‌ای که دایرةالمعارف از سال ۶۲ اگر اشتباه نکنم داره که الان یک میلیون جلد کتاب در آنجا جمع می‌شده و اینکه ببینیم کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران حدوداً ۶۰۰ جلد دارد با آن تاریخچه و اینجا الان به یک میلیون جلد رسیده است و قبلاً بودجه‌ای هم داشته و الان اصلاً بودجه‌ای ندارد. ولی همت آقای بجنوردی بوده است که در این میان گفته‌اند «دانشنامه مهندسی در ایران» را شروع کنید و این کار شروع شده و خیلی هم آقای بجنوردی آینده‌نگر هستند و اشاره کردند به دانشنامه دیگری که انجام دادیم فیزیکی و کاغذی بوده و این است که حتماً باید اینترنتی بیچد با تجربه بسیار زیادی که شما دارید، آقای دکتر و مخصوصاً در بخش ساخت این ناسا در سطح جهان که شاید یک چیزی این طرف، دانشنامه‌ها آن طرف رو موزه اینترنتی و یا هر دو است. این راهی که آقای بجنوردی گفتند برای دانشنامه مهندسی که خیلی هم کار سخت و گسترده‌ای است و این هم اضافه شد زیرا این دانشنامه‌ها در قبلی‌ها فیزیکی بوده ولی اینجا اشاره کردند که از اول دانشنامه باید اینترنتی باشد. نظر شما چیست؟

طالبیان

خوب به نظر من کاملاً درست است زیرا نه تنها دانشنامه‌ها بلکه بسیاری از مراکز مهم علمی جهان به سمت انتشار الکترونیکی و آی تی رفته‌اند، زیرا قابلیت جست‌وجو دارد و به راحتی می‌توان مطلب را یافت و در جایی نگهداری کرد، حتی من هفته گذشته یک دستگاهی است حدود ۶۰ سال از عمرش می‌گذرد و چند روز پیش ۶۰ سالی را جشن گرفتند و نهاد آموزشی و انتشاراتش معروف هستند در حوزه مرمت تقریباً بسیاری از انتشارات جهان دارد اتفاق می‌افتد از بخش‌های خصوصی از نهادها و غیره دارند بهره می‌گیرند.

در اینجا به سرعت پلتفرم جدیدی را تعریف کردند که بتوانند آموزش مجازی را انجام دهند به نظر من خیلی مسیر درستی است البته شاید این کاری که داریم انجام می‌دهیم حتی برای کتاب میراث طبیعی ورژن اولش را ۵۰ نسخه فیزیکی منتشر کردیم و بقیه الکترونیکی که این تعداد هم برای برخی کتابخانه‌های مهم است تا برخی از افراد از فیزیکی آن هم بهره بگیرند.

روی بقیه دایرةالمعارف‌ها و دانشنامه‌هایی که چاپ می‌شود اتفاقاً خیلی با حروف الفبا و فیزیکی بوده خیلی منتظر شدند که فلان مقاله آماده شود. تا مجلد بتواند بیاید بیرون و این وقتی که اینترنتی است می‌بینیم این آزادی را در ۵۰ تا مدخل هم هست سایت بیاید بالا و فعال شود و گاهی درستش هم همین است که به سرعت می‌توانید ویراستاری کنید و بازنگری‌های متعدد داشته باشید و منتظر نباشید. می‌توان آپلود کرد و بعد اصلاحات را انجام داد.

اتفاقاً این کار دارد انجام می‌شود و حتی گروهی از مهندسان جلساتی داشتند و پیشنهاد دادند که می‌خواهند این سایت را راه‌اندازی کنند و هدیه کنند به دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. همان‌طور که من اول جلسه عرض کردم تا امروز تعداد مدخل‌هایی که ارسال شده ۱۵۴ موضوع است که ۹۳ نفر پاسخ درست دادند و بقیه رفته است و دارد انجام می‌شود. به غیر از اینها هر فصلی از نتایج نشست‌ها داشته باشد نشست پاییزی است.

نشست اول تقریباً ۲ ماه پیش در اواخر تابستان بود که در آن بیشتر درباره لزوم دانشنامه مهندسی صحبت شد و این بار به بحث قلعه‌ها و دانشنامه و مهندسی و فرهنگ در قلعه‌ها و تأثیرش در فرهنگ ایران پرداخته شد. باز هم تعداد معمارها، شهرسازها و مهندسان عمران زیاد بود، ولی خوشبختانه با آن اتاق فکر آب، محیط زیست و منابع طبیعی که فعال شده یکی از مجموعه‌های آن رشته مهندسی آب است که موضوع نشست بعدی ماست. حرف برای گفتن هم زیاد دارند و شاید هم باید اعترافاتی کنند که محیط‌زیست را رعایت نکردند، در صورتی که معماران قدیمی ما خوب رعایت می‌کردند که نمونه‌اش هم همین قلعه‌هاست و آقای دکتر فلامکی اشاره فرمودند، با سیل قلعه‌ها سر جایش مانده است ولی شهرهای جدید را سیل برده است.

نشست بعدی ما در چهارشنبه ۳۰ بهمن بیشتر در زمینه آب و محیط‌زیست و منابع طبیعی است که دغدغه‌ای است که بیشتر ما در کشور داریم و نباید فرصت را از دست بدهیم.

با تشکر از حضور تمامی عزیزان